

بررسی اجمالی ربا از دیدگاه قرآن

صادق علی موحدمنش *

که به تفکیک به تعریف آنها می‌پردازیم.

الف) ربای قرضی

ربای قرضی بدین صورت است که مقرض پول یا جنسی را به مقرض به شرط زیادت قرض بدهد و این زیادت حتماً لازم نیست که از جنس همان چیزی باشد که به قرض داده می‌شود بلکه هرچه را منفعت تلقی شود شامل می‌شود. از حضرت رسول (ص) روایت شده است: کل قرض یجر نفعاً فهو حرام. امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله می‌فرماید: شرط زیادت در قرض چه به صورت صریح باشد یا به صورت ضمنی، ربا و حرام است و بین شرط زیادت عینیه (مثلاً ده درهم قرض بدهد و دوازده درهم باز پس گیرد) و یا شرط منفعت و انتفاع (مثل انتفاع از عین مرهونه) و یا حتی شرط صفت بهتر (مثلاً درهم مکسوره قرض بدهد و درهم صحیح باز پس گیرد) و یا شرط انجام عملی (مثل دوختن لباس برای قرض دهنده) فرقی نیست (امام خمینی، الجزء الاول، القول فی القرض، مسئله ۹: ۶۵۳).

از نظر دقت در بحث مناسب است اشاره کنیم

چکیده: هدف اصلی در این مقاله بررسی ربا از دیدگاه قرآن است. در ابتدا تعریفی از ربا به صورت لغوی و اصطلاحی ارائه می‌دهیم. آنگاه آیات ربا در قرآن را بر حسب نزول آنها مطرح خواهیم کرد و به نکات تفسیری آنها می‌پردازیم. در نهایت جمع‌بندی و نتیجه‌گیری موضوع مورد بحث ارائه می‌شود. به نظر می‌رسد کنکاش موضوع از نظر قرآن و سنت در کنار هم ضروری است. زیرا سنت مفسر و تبیین کننده آیات است. بنابراین، در تفسیر و تبیین بعضی از آیات از بحثهای روایتی نیز استفاده می‌کنیم. با توجه به اهمیت موضوع در مقاله دیگری به بررسی ربا از دیدگاه سنت خواهیم پرداخت.

کلیدواژه: ربا در قرآن، سنت، ربای قرضی، ربای معاملی، ربای جاهلی، قرض مصرفی، قرض تولیدی، زیادی حقیقی، زیادی حکمی، مکیل یا موزون، عرف عام.

تعریف ربا از نظر لغوی و فقهی

از نظر لغوی به مطلق زیادی «ربا» گفته می‌شود. چنانچه در المعجم الوسیط در تعریف ربا آمده است: «الفضل و الزیاده» (انیس و منتصر، ۱۳۶۷: ۳۲۶). اما در اصطلاح فقهی شامل ربای قرضی و ربای معاملی است

* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، مرکز ساری

گندم نقد را به یک کیلو و نیم گندم نسیه بفروشد» (جوهری، ۱۴۰۵: ۱۲۵).

از لفظ «مبادله او معاوضه» در این تعریف استنباط می‌شود که بنابر قول مشهور ربای معاملی اختصاص به بیع ندارد بلکه شامل سایر معاملات و معاوضات نیز می‌گردد.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که ربای معاملی به سه شرط تحقق پیدا می‌کند: اولاً، ثمن و مثن یا عوض و معوض هم جنس باشند. ثانیاً، مکیل یا موزون باشند. ثالثاً، در یکی از طرفین زیادی اعم از حقیقی یا حکمی وجود داشته باشد.

ربا در قرآن

کلمه ربا در آیات مختلف قرآن آمده است که ما بر حسب نزول آیات آنها را مطرح کرده و مورد بررسی قرار می‌دهیم.

(۱) آیه ۳۹ سوره روم

اولین آیه نازل شده در مورد ربا آیه ۳۹ سوره روم است که در مکه نازل شده است: «و ما آتیتم من ربا لیربوا فی اموال الناس فلا یربوا عندالله و ما آتیتم من زکاة تریدون وجهالله فاولئک هم المضعفون» آن مالی که به دیگران داده‌اید تا به ازای این اعطا، مال بیشتری به دست آورید، آن مال نزد خدا زیاد نمی‌شود.

علامه طباطبائی (ره) در *المیزان* در تفسیر آیه فوق می‌گوید: «کلمه ربا به معنی نمو مال و زیاد شدن آن است و جمله «لیربوا» تا آخر اشاره به علت این نامگذاری دارد. لذا مقصود این است: مالی که شما به مردم داده‌اید تا به ازای این اعطا، مال زیادتری به دست آورید، نه برای اینکه خدا راضی شود (این قید از ذکر اراده رضایت الهی «تریدون وجهالله» در رابطه با زکات فهمیده می‌شود). بنابراین، آن مال نزد خدا زیاد نمی‌شود و نمو نمی‌کند و، در نتیجه، ثوابی عایدتان نمی‌گردد، برای اینکه

که قرض بر دو نوع است:

۱. قرض مصرفی: قرضی که مقترض برای مصرف کردن و رفع نیازها و احتیاجات زندگی خویش می‌گیرد.

۲. قرض تولیدی: قرضی که قرض‌گیرنده برای توسعه فعالیت‌های خود می‌گیرد.

سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا حرمت ربا فقط در قرض مصرفی است و یا اینکه در قرض تولیدی نیز ربا حرام است؟ جواب این سؤال در ضمن بررسی ربا از دیدگاه قرآن و سنت داده خواهد شد.

ب) ربای معاملی

امام خمینی در *تحریرالوسیله* در خصوص ربای معاملی آورده‌اند: «هو بیع احد المثلین بالآخر مع زیاده عینیه او حکمیه و الاقوی عدم الاختصاص الربا بالبیع بل یجری فی سائر المعاملات کالصلح و نحوه» (امام خمینی، الجزء الاول، القول فی الربا: ۵۳۶).

در ادامه توضیح می‌دهند که ربای معاملی به دو شرط زیر تحقق می‌یابد: اولاً، اتحاد جنسی از نظر عرفی؛ بنابراین، وقتی در عرف به وحدت جنسیه بین دو چیز حکم کردند، بیع آنها به تفاضل جایز نیست اگر چه در صفات یا بعضی از خواص با هم فرقی داشته باشند. ثانیاً، ثمن و مثن مکیل یا موزون باشند. بنابراین، چیزهایی که به صورت عدد یا مشاهده فروخته می‌شوند، در آنها ربای معاملی وجود ندارد.

در کتاب *الربا فقیهاً و اقتصادياً* در تعریف ربای معاملی آمده است: «قول مشهور این است که هو مبادله او معاوضه الممتثلین اذا قدرا بالکیل او الوزن و زادهما علی الآخر و زیادی شامل زیادی حقیقی است که به ربایزباده یا ربایفضل نامیده می‌شود. مثلاً یک کیلو گندم را به یک کیلوونیم گندم بفروشد و هم شامل زیادی حکمی است که به ربایالنسیه معروف است. مثلاً یک کیلو

قصد قربت نداشته‌اید».

علامه طباطبائی راجع به تفسیر قسمت دوم آیه «وما آتیتم» می‌گوید: «مراد از زکات تنها زکات واجب نیست بلکه مطلق صدقه است. پس معنایش این است که مالی که برای رضای خدا داده‌اید، چند برابر عایدتان می‌شود» (طباطبائی، ۱۳۹۳ ق: ۱۶/۱۸۵). آن مالی را که به دیگران داده‌اید تا به ازای این اعطا مال بیشتری به دست آورید آن مال نزد خدا زیاد نمی‌شود (ثوابی عاید آن نمی‌گردد) و آن زکاتی که برای جلب رضایت خشنودی خدا به فقیران داده‌اید ثوابش چندین برابر می‌شود.

بنابراین، با توجه به قرینه مقابله و شواهدی که همراه این دو کلمه است، مراد از ربا در این آیه ربای حلال است یعنی چیزی به کسی اعطا کنی و قصد قربت نداشته باشی ولی غرض غایی این است که در ازای این اعطا مال بیشتری به دست آوری، در حالی که مراد از صدقه آن است که چیزی برای رضای خدا بدهی.

علامه طباطبائی می‌گوید: «تفسیر بیان شده در صورتی است که آیه شریفه در مکه نازل شده باشد، اما اگر آیه مذکور در مدینه نازل شده باشد مراد از ربا همان «ربای حرام» و مراد از زکات، «زکات واجب» است». از نظر علامه طباطبائی این آیه و آیات قبلش به مدنی شبیه‌ترند تا به مکی. استاد مطهری می‌گوید: «در این آیه دو احتمال است. یکی اینکه مراد ربا مصطلح باشد کما هو الاظهر. دیگری اینکه مراد اعطای هدیه به منظور استجلاب اکثر باشد. یعنی مراد از ربا در اینجا «زیاده» نیست بلکه «مایطلب به‌الزیاده» می‌باشد» (مطهری، ۱۳۶۴: ۱۹۸).

بحث روایتی

احادیثی که در تفسیر آیه مذکور وارد شده، اشاره دارد به اینکه مراد از ربا در این آیه اعطای هدیه به

منظور استجلاب اکثر یا همان ربای حلال است که در اینجا بعضی روایات را ذکر می‌کنیم.
عن ابی عبدالله (ع) فی قوله : و ما آتیتم من ربا لیربوا فی اموال الناس فلا یربوا عندالله قال: هو هدیتک الی الرجل ترید منه الثواب افضل منها، فذالک یوکل (الحرالعاملی، ۱۴۱۲ ق، باب ۳ من ابواب الربا، حدیث ۲: ۴۲۹/۱۲).

عن ابی عبدالله (ع) قال: الربا رباء ان ربا یوکل و ربا لایوکل. فاما الذی یوکل فهدیتک الی الرجل تطلب منه الثواب افضل منها. فذالک الربا الذی یوکل و هو قول الله عزّ و جلّ «و ما آتیتم من ربا لیربوا فی اموال الناس فلا یربوا عندالله» و «اما الذی لا یوکل فهو الذی نهی الله عزوجل عنه و اوعده علیه النار» (الحرالعاملی، ۱۴۱۲ ق، باب ۳ من ابواب الربا، حدیث ۱: ۴۲۹/۱۲).

حدیث دیگری در این زمینه به این نکته اشاره دارد که منظور از ربا در این آیه زیادتی است که قرض دهنده به طمع آن قرض می‌دهد بدون اینکه در عقد قرض شرط زیادت شده باشد. به عبارت دیگر، زیادتی است که قرض‌دهنده انتظار دارد که قرض‌گیرنده مازاد بر اصل قرض به او بپردازد و چون انگیزه و نیت مقرض از قرض دادن به دست آوردن این زیادت است، بنابراین، ثوابی نزد خدا نمی‌برد (فلا یربوا عندالله).

عن ابی عبدالله (ع) قال: الربا رباء آن: احدهما ربا حلال و الآخر حرام فاما الحلال فهو ان یقرض الرجل قرضاً طمعاً ان یرزیه و یعوضه باکثر مما اخذه بلا شرط بینهما، فان اعطاه اکثر مما اخذ بلا شرط بینهما فهو مباح له و لیس له عندالله ثواب. فیما اقرض و هو قوله عز و جل «فلا یربوا عندالله» و اما الربا الحرام فهو الرجل یقرض قرضاً و یشرط أن یردّ اکثر مما أخذه فهذا هو الحرام (الحرالعاملی، ۱۴۱۲ ق، حدیث ۲۳۲۹۵، ۱۸/۱۲۵).

در نتیجه، می‌توان اظهار کرد که منظور از ربا در آیه شریفه مورد بحث ربای حرام نیست بلکه اعطای

هدیه یا قرض به نیت و انگیزه استجلاب اکثر است.

۲) آیه ۱۳۰ سوره آل عمران

دومین آیه نازل شده در خصوص ربا آیه ۱۳۰ و ۱۳۱ سوره آل عمران است. این آیه دومین آیه‌ای است که به طور تشریحی حرمت ربا را بیان می‌کند:

«يا ايها الذين آمنوا لا تأكلوا الربا اضعافا مضاعفه واتقوا الله لعلكم تفلحون واتقوا النار التي اعدت للكافرين» ای کسانی که ایمان آورده‌اید ربا به صورت اضعاف مضاعف نگیرید و از خدا بترسید شاید رستگار شوید و بترسید از آتش دوزخی که برای کافران فراهم شده است.

علامه طباطبائی در تفسیر آیات فوق می‌گوید: در اینجا خدای عز و جل دعوت خود را به خیر و نیکی از ربا شروع کرده است. زیرا آیات بعدی این سوره در رابطه با نیکی و انفاق و سبقت گرفتن به سوی مغفرت و آمرزش الهی است. در حقیقت نخستین آیه در این قسمت که مردم را به ترک ربا دعوت می‌کند یک زمینه سازی برای دعوت مردم به نیکی و انفاق است که روح وحدت و یگانگی را در جامعه دمیده و نیروهای پراکنده اجتماع را به هم نزدیک می‌کند و در نتیجه آنها را به زندگی سعادت‌مندانه نایل می‌سازد. نتیجه‌ای که از این مقدمه می‌توان گرفت این است که منشأ بسیاری از بدبختیها و مشکلات اجتماعی ربا و ربا خواری است (صالحی کرمانی، ۱۳۷۴: ۲۷/۷). استاد مطهری در تفسیر آیه مورد بحث می‌گوید: در رابطه با « اضعافاً مضاعفه» در آیه شریفه دو احتمال است:

یکی اینکه مراد قرض با ربح مرکب باشد یعنی از خود ربح هم ربح گرفته شود. دیگری اینکه مراد از کلمه مضاعفه، منضمه الی‌الاصل باشد. یعنی کلمه مضاعفه تجرید از معنی تضعیف شده است (مطهری، ۱۳۶۴: ۱۹۷).

نکات مهم آیه ۱۳۰ سوره آل عمران

۱. منظور از اکل در اینجا اخذ است. یعنی منظور از

«لا تأكلوا» «لا تأخذوا» است.

۲. «اضعافاً مضاعفه» بیان وصف غالب است. زیرا غالباً راس المال ربوی سیر تصاعدی داشته و ممکن است منافع آن حتی به چندین برابر اصل برسد.

۳. آیه « واتقوا النار التي اعدت للكافرين» رباخواران را به طور ضمنی در زمره کافران قرار داده است.

ربای جاهلی

بحث مهمی که در اینجا مطرح می‌شود این است که ممکن است از آیه «لا تأكلوا الربا اضعافاً مضاعفا» استنباط شود ربای حرام اضعاف مضاعف یا همان ربای جاهلی است، در حالی که ربای معمولی و یا فایده‌ای که امروزه در قرض تحت عنوان نرخ بهره معمولی مطرح است، از نظر قرآن حرام نیست.

زیرا این بهره عرفی داخل در ربای جاهلی نیست. در حالی که قرآن ربای جاهلی را تحریم نموده است. به دلیل اینکه الف و لام موجود در «الربا» الف و لام عهدی است. بنابراین، تحریم قرآنی شامل ربای جاهلی است و مشمول ربای عرفی و یا بهره معمولی نیست.

قبل از جواب ردّ به استنباط فوق باید بینیم ربای جاهلی چیست؟ سپس بحث خواهیم کرد که آیا لفظ ربا در قرآن به معنی عام است یا خاص؟ آنگاه پاسخ مسئله مذکور را از دیدگاه شیعه مطرح خواهیم کرد.

در خصوص ربای جاهلی ابن عباس نقل کرده است که وقتی دین فردی، در زمان جاهلیت، فرا می‌رسید طلبکار از بدهکار طلب خود را درخواست می‌کرد. چون بدهکار نمی‌توانست دین خود را ادا کند به طلبکار می‌گفت: «زدنی فی‌الاجل، ازدک فی‌المال» و طلبکار قبول می‌کرد. در نتیجه، بدهکار علاوه بر اصل قرض و بهره‌ای که در هنگام قرض گرفتن قبول کرده بود، باید برای مهلت داده

علیهم‌السلام، مفسر آیات قرآن است و قائل به انفکاک قرآن و سنت نیست. با این مقدمه اگر به روایات و احادیث وارده در مورد ربا مراجعه کنیم ملاحظه می‌شود که ربا به طور مطلق در اسلام حرام است، چه این زیادت در هنگام عقد شرط شده باشد و یا در ازای مهلت داده شده برای باز پرداخت پس از سررسید باشد. به عبارت دیگر، از نظر شیعه هم ربای جاهلی و هم ربایی که در هنگام عقد شرط شده باشد، باطل است. هرچند مقدار زیادت بسیار ناچیز باشد.

۳) آیه ۱۶۰ و ۱۶۱ سوره نساء

سومین آیه‌ای که در آن لفظ ربا آمده است آیات مذکور است. این آیات اشاره به نهی ربا در ادیان گذشته و نافرمانی امت‌های پیشین از احکام الهی دارد: «فبظلم من الذین هادوا حرماً علیهم طیبات احلت لهم و بصدتم عن سبیل الله کثیرا و اخذتم الربا و قد نهوا عنه و اکلهم اموال الناس بالباطل و اعتدنا للکافرین منهم عذاباً الیما» پس به واسطه ظلم و ستمی که یهودیان مرتکب شدند ما طیباتی که برایشان حلال بود، بر آنان حرام کردیم و بازداشتن آنان بسیاری از افراد را از راه خدا و گرفتن ربا، در حالی که از آن نهی شده بودند، و خوردن اموال مردم به ناحق و برای کافرین آنان عذابی دردناک آماده کردیم.

خداوند تبارک و تعالی در این آیه علت تحریم طیبات بر یهودیان را ظلمها و فجایعی می‌داند که آنان مرتکب آن شدند. سپس در آیه ۱۶۱ به یکی از مظالم مهم آنان - یعنی رباخواری - و روی گردانیشان از راه خدا اشاره می‌کند «واخذتم الربا و قد نهوا عنه». دو نکته مهم در این آیه نهفته است که به آن اشاره می‌شود: اولاً، ربا در ادیان گذشته نیز تحریم شده بود. ثانیاً، ربا خواری یکی از مظالم بزرگ است.

علامه طباطبائی در تفسیر آیه مذکور آورده

شده نیز بهره‌ای می‌پرداخت. وقتی که به آنها گفته می‌شد این عملتان رباخواری است، در جواب می‌گفتند: آن زیادی در ثمن یا در دین هنگام بیع یا قرض دادن بود و این زیادت فعلی در ازای مهلتی است که برای بازپرداخت داده شده است (جواهری، ۱۴۰۵ ق: ۱۴).

بنابر دیدگاه مذکور، ربای حرام آن زیادتی است که علاوه بر زیادت شرط شده در هنگام قرض، گرفته می‌شود. به عبارت دیگر، ربایی که اضعافاً مضاعفه باشد حرام است و گرنه زیادت شرط شده در هنگام عقد قرض جایز است و اشکالی ندارد.

در اینجا ما می‌توانیم یک استصحاب لغوی را اجرا کنیم. زیرا کلمه ربا معنی عام دارد و آن مطلق زیادت و این معنایی است که قبل از اسلام نیز موجود بود. حال وقتی که در نقل معنی از عام به خاص شک داریم، اصل بر عدم نقل معنی است؛ یعنی ربا همان معنی لغوی عام آن یعنی مطلق زیادت را می‌رساند. این استصحاب شرعی تبعیدی نیست بلکه استصحاب عقلانی است.

بنابراین، آیات قرآنی که ربا را تحریم کرده‌اند، اختصاص به ربای جاهلی (ربا به معنی خاص) ندارند. زیرا الف و لام موجود در کلمه «الربا» چه عهده یا جنسیه باشد، شامل ربا به معنی عام آن می‌شود.

در نتیجه، ادعای بعضی مبنی بر اینکه تحریم قرآن در مورد ربا شامل قرضی که همراه با بهره معمولی باشد نمی‌شود و فقط ربای جاهلی را شامل می‌شود، ادعای باطلی است.

پاسخ اشکال از دیدگاه شیعه

از دیدگاه شیعه قرآن و سنت به عنوان دو منبع اصلی تشریح محسوب می‌شوند. اعتقاد شیعه بر این است که احادیث وارده از حضرت رسول (ص) و ائمه اطهار،

ربا را محو و فانی می‌کند و صدقات را نمو و افزونی می‌بخشد و خدا هر کافر گناهکار را دوست ندارد. ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا بترسید و اگر مؤمن هستید، آنچه که از ربا باقی مانده است، صرف نظر کنید. اگر چنین نکنید پس به تحقیق که اعلام جنگ با خدا و رسولش داده‌اید. اگر توبه کنید پس سرمایه‌هایتان و اصل اموالتان برای شماسست. در نتیجه، ظلم و ستم نمی‌کنید و نه ظلم و ستم می‌شوید. اگر (بدهکار) فقیر و تنگدست بود پس مهلتش دهید تا متمکن و دارا شود و اگر صدقه دهید برایتان بهتر است، چنانچه عاقبت و نتیجه عملتان را دانسته باشید.

علامه طباطبائی در تفسیر آیات مذکور می‌گوید: «این آیات در مقام تأکید حرمت ربا و تشدید آن بر رباخواران است. از سیاق آیات بر می‌آید که مسلمانان از آیه سوره آل عمران «یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا الربا اضعافا مضاعفه» که ایشان را از ربا خواری نهی کرده، دست بر نداشته بودند بلکه تا اندازه‌ای در میان آنها رباخواری معمول و رایج بود». سپس می‌گوید: «قبل از آنکه سوره آل عمران نازل شود، سوره روم نازل شده بود. چون سوره روم در مکه نازل شده بود. در آنجا می‌فرماید: «و ما آتیتم من ربا لیربوا فی اموال الناس فلا یربوا عندالله». از این آیه معلوم می‌شود که مسئله رباخواری از همان اوایل بعثت رسول خدا (ص) و قبل از هجرت عملی منفور بود تا آنکه در آیه سوره آل عمران صریحاً تحریم شده و سپس در سوره بقره با تأکید و شدت بیشتری نهی شده است» (موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۳۷۰/۴).

علامه طباطبائی در ادامه تفسیر آیات مذکور می‌گوید: «آیات ربا در این سوره (بقره) و سوره روم و آل عمران مقارن با مسئله انفاق و صدقه است. زیرا رباخواری درست ضد و مقابل انفاق و صدقه است و آثار سوئی که مترتب بر رباخواری است درست مقابل آثار خوبی است که بر مسئله صدقه و انفاق مترتب است». سپس در ادامه بحث می‌فرماید: «خدای سبحان در این آیات تشدید می‌کند که در امر رباخواری فرموده است درباره

است: «لفظ ظلم به صورت نکره آورده شد که دلالت بر تفخیم امر می‌کند. پس مراد از این ظلم قسمتی از مظالم فجیع اهل کتاب» است. سپس می‌فرماید: جمله «و اعتدنا للکافرین منهم عذاباً الیماً» عطف بر جمله «حرمانا علیهم طیبات ...» می‌باشد. یعنی آنان به واسطه مظالمشان مستوجب دو کیفر از طرف خدا شدند. ۱. کیفر دنیوی که تحریم طیبات بود؛ ۲. کیفر اخروی (عذاب الیم) که مختص به کافرین ایشان است (حجتی کرمانی، ۱۳۷۴: ۲۱۳/۱۹).

۴) آیات ۲۷۵-۲۸۰ سوره بقره

در این آیات خدای سبحان علاوه بر بیان مجدد حرمت تشریعی ربا و تأکید بر آن، با لحن بسیار شدیدتری به مبارزه با رباخواری پرداخته که نظیر آن درباره دیگر گناهان و معاصی به ندرت یافت می‌شود. در ضمن این آیات به نکات بسیار مهمی اشاره دارد که به تبیین آنها خواهیم پرداخت. «الذین یأکلون الربا لا یقومون الا کما یقوم الذی یتخبطه الشیطان من المس ذالک بانهم قالوا انما البیع مثل الربا واحلّ الله البیع وحرّم الربا فمن جانه موعظه من ربه فانتهی فله ماسلف وامره الی الله ومن عاد فاولئک اصحاب النار هم فیها خالدون یمحقّ الله الربا و یربّی الصدقات والله لا یحب کل کفار اثم ... یا ایها الذین آمنوا اتقواالله و ذروا ما بقی من الربا ان کتتم مومنین فان لم تفعلوا فاذنوا بحرب من الله و رسوله و ان تبتم فلکم رؤس اموالکم لا تظلمون و لا تظلمون و ان کان ذو عسره فنظره الی میسره و ان تصدقوا خیر لکم ان کتتم تعلمون» آنان که ربا می‌خورند قیام به امور زندگی نکنند مگر مثل آنکه جن زده باشد. این بدان علت است که آنها بیع را مثل ربا می‌دانند. در حالی که خدا بیع را حلال و ربا را حرام کرده است. هر کس که از طرف خدا موعظه و پندی آمد و از اعمال زشت گذشته‌اش دست برداشت، پس برای اوست آنچه که گذشت و کارش با خداست. و هر کس که به اعمال زشت گذشته‌اش برگشت، آنان اهل آتش‌اند و در آن جاودان‌اند. خدا

هیچ‌یک از فروع نکرده است، مگر یک مطلب که تشدید در آن نظیر تشدید رباخواری است و آن مسلط کردن و حکومت دادن دشمنان خدا بر جامعه اسلامی است. لحن قرآن در امر زنا، شرب خمر، قمار و ظلم و گناهان بزرگتر از این مثل کشتن افراد بی‌گناه ملایم‌تر از تشدید در آن دوگناه است. دلیل این امر آن است که فساد آن گناهان از یک نفر یا چند نفر تجاوز نمی‌کند و آثار شومش تنها به بعضی از جهات نفوس سرایت می‌کند. اما ربا و حکومت بی‌دینان و آثار سوء آن بنیان جامعه و دین را منهدم می‌کند» (موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۳۷۱/۴).

تبیین و تفسیر آیات ۲۷۵ - ۲۸۰ سوره بقره

حال به تبیین و تفسیر آیات مذکور می‌پردازیم و به نکات مهمی که در این آیات نهفته است اشاره می‌کنیم: «الذین یأکلون الربا لا یقومون الا کما یقوم الذی یتخبطه الشیطان من المس» «خبط» به معنی کج و معوج راه رفتن است. به عبارت دیگر، راه رفتن و حرکات غیر طبیعی و نامنظم را خبط می‌گویند. خبطی که رباخواران مبتلای آن هستند این است که فرقی میان معامله مشروع، یعنی بیع، و معامله نامشروع، یعنی ربا، نمی‌گذارند.

در تفسیر المیزان در خصوص آیه مذکور به نکاتی اشاره شده است که عبارت‌اند از:

۱. مراد از قیام مسلط بودن بر زندگی و امر معیشت است.
۲. منظور از خبط قیام رباخوار در زندگی به امر معاش خود نظیر قیام جن زده‌ای است که خوب را از بد تمیز نمی‌دهد.

۳. دلیل خبط ربا خوار این است که بیع را مثل ربا می‌داند و فرقی بین ربا و بیع قائل نیست.

۴. علت عدم اعتدال رباخوار و حرکت دیوانه‌وارش بریدن از خدا و بندگی او و هدف قراردادن لذایذ مادی و مفتون شدن در مقابل مال و ثروت است

(موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۳۷۲/۴-۳۷۳).

استاد مطهری در تفسیر آیه مورد بحث به نکاتی اشاره می‌کند که آنها را ذکر می‌کنیم:

۱. مراد از «اکل» مطلق تصرف است. مثل آیه «الذین یأکلون اموال الیتامی و آیه لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل».

۲. مراد از «لا یقومون» قیام دنیوی در امر زندگی است اما خبر از قیام در آخرت از آیه فهمیده نمی‌شود (مطهری، ۱۳۶۴: ۱۹۳).

۳. مراد از «الذی یتخبطه الشیطان من المس» جنون نیست، بلکه مراد تحت تأثیر وسوس و افکار شیطانی واقع شدن است. این احتمالی است که فخر رازی آن را مطرح کرد و استاد مطهری بر آن صحنه گذاشت. با توجه به نکات فوق استاد شهید مطهری می‌فرماید: «بنابراین مفاد آیه این است که آکل ربا قیامش در امر معیشت مانند قیام مردمی است که تحت تأثیر وسوس شیطانی مست و لایشرع شده‌اند. مانند کسی که مست شهوت یا مال یا مقام شده است» (مطهری، ۱۳۶۴: ۱۹۴).

شایان ذکر است که در آیه مورد بحث تشبیه بسیار جالبی به کار رفته است. چون قیام رباخواران به امور زندگی را تشبیه به قیامی کرده است که تحت تأثیر وسوسه‌های شیطانی و مجذوب شدن در مقابل مال و ثروت، مست و لایشرع شده‌اند، به طوری که خوب را از بد تشخیص نمی‌دهند. در حالی که یک راه غیرطبیعی برای امرار معاش انتخاب کردند ولی می‌پندارند راه طبیعی و درستی است.

«ذلک بانهم قالوا انما البیع مثل الربا»

صاحب المیزان در این خصوص می‌فرماید: این جمله ظاهراً حکایت حال ربا خواران است نه اینکه چنین سخنی گفته باشند. استاد شهید مطهری می‌فرماید: «اظهر این است که این جمله بیان حال و فکر رباخواران است نه بیان قول لفظی ایشان» (مطهری، ۱۳۶۴: ۱۹۴).

استاد علامه طباطبائی در بیان نکته مذکور می‌فرماید:

تفاوتی میان بیع و ربا قائل نبودند و می‌گفتند: انما البیع مثل الربا. منتهی قرآن شرح بیشتری در زمینه تفاوت بین بیع و ربا نداده است. گویا به سبب وضوح آن بوده است زیرا اولاً، در خرید و فروش معمولی هر دو طرف به طور یکسان در معرض سود و زیان هستند. گاهی هردو سود، گاهی هردو زیان، گاهی یکی سود و دیگری زیان می‌کند. در حالی که در معاملات ربوی رباخوار هیچگاه زیان نمی‌کند. ثانیاً، در تجارت و خرید و فروش معمولاً طرفین در مسیر تولید و مصرف گام برمی‌دارند در حالی که رباخوار هیچ عمل مثبتی در این زمینه ندارد. ثالثاً، با شیوع رباخواری سرمایه‌ها در مسیرهای ناسالم می‌افتد و پایه‌های اقتصاد، که اساس اجتماع است، متزلزل می‌گردد. در حالی که تجارت و معاملات صحیح موجب گردش سالم ثروت است. رابعاً، رباخواری منشأ دشمنیها و جنگهای طبقاتی است در حالی که تجارت صحیح چنین نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۲/۲۷۳).

فمن جائه موعظه من ربه فانهی فله ما سلف و امره الی الله
 در تبیین آیه فوق در تفسیر نمونه آمده است: «طبق آیه مذکور کسانی که پند و اندرز الهی در مورد تحریم ربا به آنها برسد و از این کار خوداری کنند، سودهایی را که قبل از نزول این حکم گرفته‌اند از آن خود آنهاست. یعنی این قانون مانند هر قانون دیگر عطف به ما سبق نمی‌شود. زیرا می‌دانیم اگر قوانین بخواهد گذشته را شامل شود، مشکلات فراوان و هرج و مرج شدید در زندگی مردم بوجود می‌آید. به همین دلیل همیشه قوانین از زمانی که رسمیت می‌یابد، اجرا می‌شود. اگر چه ظاهر این آیه این است که آینده این گونه افراد از نظر مجازات و عفو معلوم نیست ولی با توجه به جمله قبل معلوم می‌شود که منظور همان عفو است. گویا اهمیت گناه ربا سبب شده

«ربا خواران چون دچار خبط بوده‌اند بین بیع و ربا فرقی نمی‌گذاشته‌اند یعنی بین قبیح و حسن، درست و نادرست تمیز نمی‌داده‌اند و لذا نگفته‌اند «الربا مثل البیع» زیرا این گفته کسی است که صحت بیع را بداند و ربا را بر آن حمل کند. ولی خابط هیچ‌گونه فرقی بین ربا و بیع قائل نیست. لذا گفته‌اند: «البیع مثل الربا» (موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۳۸۵/۴).

استاد شهید مطهری می‌فرماید: «آنچه که ما از این آیه می‌فهمیم این است که صرف اکل ربا منشأ قیام خابطانه نیست بلکه اکل ربا با عقیده به اینکه بیع و ربا تفاوتی ندارد منشأ آن حالت خبیث است» (مطهری، ۱۳۶۴: ۱۹۵).

و احل الله بیع و حرم الربا

استاد مطهری می‌گوید: آیه مذکور را دو جور تفسیر کرده‌اند: الف) مشهور بین مفسرین این است که ربا اسم است برای زیادت؛ ب) صاحب مجمع البیان احتمال داده است که مراد از ربا معامله‌ای باشد که در آن زیادت است. بنابراین، مفاد آیه این چنین خواهد بود که احل الله البیع الذی لا ربا فیه و حرم البیع الذی فیه الرب.

ثمره‌ای که بر این دو تفسیر مرتبت است عبارت‌اند از:

۱. بنا بر تفسیر اول لازم نمی‌آید که معامله ربوی باطل باشد بلکه فقط تحریم زیادت فهمیده می‌شود. ولی بنا بر تفسیر دوم تحریم معامله و بطلان آن از آیه فهمیده می‌شود.
۲. بنا بر تفسیر اول حرمت ربا در همه انواع معاوضات خواهد بود ولی بنا بر تفسیر دوم در خصوص بیع است (مطهری، ۱۳۶۴: ۲۱۳).

در تفسیر نمونه آمده است: جمله «احل الله البیع و حرم الربا» در پاسخ به منطق رباخواران است که

است که حتی حکم عفو درباره کسانی که قبل از نزول آیه دست به این کار زده‌اند به طور صریح و بی‌پرده گفته نشود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۲/۲۷۴).

و من عاد فاولئک اصحاب النار هم فیها خالدون

سپس خدای تعالی در ادامه آیه می‌فرماید که هر کس پس از این اندرز الهی، با آن همه تأکید و اصرار بر تشدید حرمت آن، باز دست از عمل رباخواری بر ندارد پس اینان به تحقیق اهل آتش‌اند و در عذاب دردناک و دایمی جاودان خواهند بود.

یمحق الله الربا و یربی الصدقات

کلمه «محق» مصدر فعل «یمحق» به معنای «نقصان پی در پی» است. به طوری که چیزی که محق می‌شود به تدریج رو به فنا بگذارد. به عبارت دیگر، «محق» به معنی «نقصان و نابودی تدریجی» است. کلمه «ارباء» که مصدر فعل «یربی» است، به معنای «نمو و رو به زیادت نهادن» است. بنابراین، «ارباء» به معنی «نمو و رشد تدریجی» است.

علامه طباطبائی در تفسیر آیه مذکور می‌گوید: در آیه شریفه بین «ارباء صدقات» و «محق ربا» مقابله انداخته و مسئله «ارباء صدقات» مختص به آخرت نیست بلکه این خصیصه در دنیا هم هست. در مقابل آن، «محق ربا» نیز هم در دنیا و هم در آخرت است. زیرا صدقات موجب انتشار دادن رحمت و، در نتیجه، باعث محبت، حسن تفاهم و تألیف قلوب است، امنیت را گسترش می‌دهد و همه اینها باعث می‌شود که مال آدمی در دنیا زیاد و چند برابر شود. در مقابل، ربا موجب بغض و عداوت و سوءظن می‌گردد. امنیت و مصونیت را سلب نموده و همه اینها باعث تفرقه و اختلاف و انتقام‌گیری می‌شود. در نتیجه، ابواب زوال و تباهی مال را می‌گشاید (موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۴/۳۹۱).

والله لایحب کل کفار ائیم

در تفسیر نمونه آمده است: «کفار، از ماده کفور بر وزن فجور، به کسی گویند که بسیار ناسپاس و کفران‌کننده است و ائیم کسی است که گناه زیاد مرتکب می‌شود. جمله فوق می‌گوید رباخواران نه تنها با انفاق و قرض‌الحسنه و صرف مال در راه نیازمندیهای عمومی، شکر نعمتی که خداوند به آنها ارزانی داشته، به جای نمی‌آورند، بلکه آن را وسیله هر گونه ظلم و ستم و فساد قرار می‌دهند. طبیعی است که خدا چنین کسی را دوست ندارد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۲/۲۷۵).

یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ذروا ما بقی من الربا ان کتمتم مؤمنین

این آیه مؤمنین را مورد خطاب قرار داده و دستور می‌دهد که از خدا بپرهیزید (اتقوا). این جمله را به عنوان زمینه‌سازی می‌آورد تا دنبالش بفرماید: «و ذروا ما بقی من الربا»، یعنی آنچه از ربا نزد بدهکاران ماند، صرف نظر کنید.

از این آیه دو نکته برداشت می‌شود: اولاً، بعضی از مؤمنین در عهد نزول این آیه هنوز ربا می‌گرفتند و بقایایی از ربا از بدهکاران خود طلب داشتند. لذا می‌فرماید که از آنچه که از ربا مانده است صرف نظر کنید. ثانیاً، ترک ربا خواری از لوازم ایمان است (موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۴/۳۹۸). در تفسیر نمونه آمده است: «آیه با ایمان به خدا شروع شده و با ایمان به خدا ختم شده است. در نتیجه، این حقیقت را به وضوح می‌رساند که ربا خواری با روح ایمان سازگار نیست» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۲/۲۷۸).

فان لم تفعلوا فاذنوا بحرب من الله و رسوله

خدای تعالی در این آیه می‌فرماید: اگر از ربا خواری دست برنمی‌دارید پس اعلان جنگ به خدا و رسولش

مالتان را از بدهکار بگیرید و بهره را رها کنید. جمله «لاتظلمون و لاتظلمون» معنایش این است که نه با گرفتن ربا ظلم کنید و نه با سوخت شدن اصل سرمایه‌تان به شما ظلم شده باشد. بنابر این، آیه مذکور بر دو نکته مهم دلالت دارد که عبارت‌اند از: اولاً، رباخوار مالکیتش نسبت به اصل مال امضا شده است. ثانیاً، گرفتن ربا ظلم است» (موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۴۰۰/۴).

استاد مطهری آیه مورد بحث را چنین تفسیر کرده‌اند: «از آیه بالا از دو جهت تعمیم ربا نسبت به قرضهای تولیدی استفاده می‌شود: اولاً، از «رؤس اموالکم» مراد سرمایه است، زیرا سرمایه در قرض مصرفی معنی ندارد. ثانیاً، از «لاتظلمون و لاتظلمون» فهمیده می‌شود که ربا ظلم است. یعنی تحریم ربا بر اساس لزوم احسان نیست (که در قرضهای مصرفی ملاک حرمت ربا لزوم احسان است) بلکه بر اساس وجوب عدل و تحریم ظلم است» (مطهری، ۱۳۶۴: ۱۹۶).

در جمع‌بندی می‌توان گفت که یکی از نکات بسیار مهمی که از «لاتظلمون و لاتظلمون» فهمیده می‌شود این است که یکی از ادله مهم یا به عبارت دیگر، فلسفه اساسی حرمت ربا جلوگیری از ظلم است.

وان كان ذو عمرة فنظرة الى ميسره

«كان» به معنی تامه است و معنی «بود» را می‌دهد. خدای عزوجل می‌فرماید: اگر در میان بدهکاران فقیری بود که نمی‌تواند دین خود را ادا کند، طلبکار باید او را مهلت دهد تا متمکن شود. در خور ذکر است که «عسرت» به معنی فقر و تنگدستی و «میسره» به معنی متمکن و دارا شدن است.

سؤال بسیار مهمی که در اینجا مطرح می‌شود این است که حد اعسار چیست؟

در مجمع‌البیان در ذیل آیه مورد بحث آمده

بدهید. علامه طباطبائی در تفسیر آیه مذکور آورده است: «حرف «باء» در کلمه «بحرب» برای این آمده است که جمله «فأذنوا» متضمن معنای یقین است و معنای آیه چنین است: اگر دست از رباخواری بر نمی‌دارید پس یقین بدانید که اعلان جنگ داده‌اید. کلمه «حرب» نیز نکره یعنی بدون الف و لام آورده شده که عظمت جنگ یا نوع آن را برساند. به عبارت دیگر، بفهماند رباخواری نوعی جنگیدن با خداست» (موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۳۹۹/۴).

در تبیین آیه مورد بحث در تفسیر نمونه آمده است: «این آیه به رباخواران اخطار می‌کند که اگر به کار خود ادامه دهند و در برابر حق و عدالت تسلیم نشوند و همچنان به مکیدن خون مردم محروم مشغول باشند، پیامبر ناچار است با توسل به نیروی نظامی جلوی آنها را بگیرد و آنها را در برابر حق تسلیم گرداند. و این، در حقیقت، اعلان جنگ پیامبر به آنهاست. این همان جنگی است که طبق قانون قاتلوا التي تبغی حتی نفی الی امرالله (سوره حجرات، آیه ۹) یعنی با کسانی که متجاوزند پیکار کنید تا به فرمان خدا گردن نهند، در ادامه بحث آمده است. در هر صورت، از آیه بالا برمی‌آید که حکومت اسلامی می‌تواند با توسل به زور جلوی رباخواری را بگیرد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۲۷۸/۲).

وان تبتم فلکم رؤس اموالکم لا تظلمون و لاتظلمون
خدای سبحان در این آیه می‌فرماید: اگر توبه کنید سرمایه‌های شما از آن شماس (اصل سرمایه بدون سود). در نتیجه نه ستم می‌کنید و نه بر شما ستم می‌شود.

علامه طباطبائی در تفسیر این آیه آورده‌اند: «جمله «ان تبتم» بیان اینکه بعضی از مؤمنین بعد از اسلام هنوز دست از رباخواری بر نداشته بودند را تأیید می‌کند. جمله «فلکم رؤس اموالکم» معنایش این است که اصل

است: «علمای اسلامی در حد اعسار و نداری اختلاف کرده‌اند. از امام صادق (ع) روایت شده: عن ابی عبدالله (ع) انه قال: «هو اذا لم يقدر علی ما یفضل من قوته و قوت عیاله علی الاقصاد». بنابراین، حد اعسار این است که انسان بیش از قوت متوسط خود و عیالش را نداشته باشد تا قرض خود را ادا کند» (طبرسی، ۱۳۹۰ ق: ۱/۳۹۳).

ولی مشهور بین فقها این است که در ادای قرض و گرفتن حق طلبکار، خانه، عبد، مرکب سواری و وسایل و اسباب زندگی در حد شأن فرد بدهکار استثنا هستند.

وان تصدقوا خیر لکم ان کنتم تعلمون

خدای تعالی در این آیه افراد طلبکار را تشویق به از خود گذشتگی و صرف نظر از طلب خود می‌کند و می‌فرماید که اگر بدهکار واقعاً از ادای دین ناتوان است، بهتر است طلب خود را صدقه و از آن صرف نظر کنید و این عمل برایتان بهتر و خیر است، اگر عاقبت و نتیجه این عملتان را بدانید.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هرچند در ضمن تفسیر و تبیین آیات به نکات مهم هر آیه پرداخته شده است ولی در یک جمع‌بندی کلی به اهم آن اشاره می‌شود:

۱. ربا حرام است: **احل الله البیع و حرم الربا.**
۲. ربا در مقابل بیع است: **احل الله البیع و حرم الربا.**
۳. ربا در مقابل صدقه و اثراتشان ضد یکدیگر است: **یمحق الله الربا و یربی الصدقات.**
۴. ربا دینی است که در آن زیادت باشد: **وذروا ما بقی من الربا.** با توجه به اینکه آیه مذکور مطلق و تخصیصی نخورده است، لذا فرقی بین ربای قرضی و تولیدی قائل نشده است.
۵. از آیه **وان تبتم فلکم رؤس اموالکم** تحریم ربای

تولیدی نیز فهمیده می‌شود.

۶. فلسفه تحریم ربا ظلم است: **لا تظلمون ولا تظلمون.**
۷. آیه **لا تأکلوا الربا اضعافاً مضاعفه** اختصاص به ربای جاهلی دارد و از آن اباحه بهره معمولی استنباط نمی‌شود.
۸. ربا در ادیان گذشته نهی شده است: **فیظلم من الذین هادوا ... واخذهم الربا و قد نهوا عنه.**
۹. رباخواری اعلام جنگ با خداست: **فان لم تفعلوا فاذنوا بحرب من الله و رسوله.** بنابراین، بر حکومت اسلامی است تا با توسل به زور جلوی رباخواری را بگیرد.

۱۰. رباخواران نه تنها نتیجه عمل ناپسند خود را در آخرت می‌بینند: **واعتدنا للکافرین منهم عذاباً الیما** بلکه در این دنیا نیز از نتیجه عمل شومشان مصون نمی‌مانند. **حرمتنا علیهم طیبات احلت لهم.**

منابع

قرآن کریم؛

انس، ابراهیم و الحلیم المنتصر (۱۳۶۷)، المعجم الوسیط، الطبعه الثانيه، ناصر خسرو، طهران؛

جواهری، حسن محمد تقی (۱۴۰۵ ق)، **الربا فقیها و اقتصادیا**. مطبعه النخام، قم؛

حرالعالمی، محمد بن الحسین (۱۴۱۲ ق)، **تفصیل وسائل الشیعه**، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، قم؛

_____ (۱۴۰۳ ق)، **وسائل الشیعه**، المکتبه الاسلامیه، طهران؛

خمینی، روح‌الله، **تحریرالوسیله**، انتشارات دارالعلم، قم؛

رامیار، محمود (۱۳۴۶)، **تاریخ قرآن**، انتشارات اندیشه، تهران؛

زنجانی، ابو عبدالله، **تاریخ قرآن**، کانون خدمات فرهنگی الست؛

صالحی کرمانی، محمدرضا (۱۳۷۴)، **ترجمه المیزان**، ج ۷، چاپ دوم، انتشارات دارالعلم، قم؛

طباطبائی، محمدحسین (۱۳۹۳ ق)، **المیزان**، متن عربی، ج ۱۶، انتشارات اسماعیلیان، قم؛

طبرسی، الفضل بن الحسن (۱۳۹۰ ق)، **مجمع البیان**، مکتبه‌العلمیه‌الاسلامیه، طهران؛

مطهری، مرتضی (۱۳۶۴)، **ربا، بانک، بیمه**، انتشارات صدرا؛

مکسارم شیرازی، ناصر یا همکاری جمعی از نویسندگان (۱۳۷۳)، تفسیر
نمونه، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، قم.
موسوی همدانی، محمدباقر (۱۳۷۴)، ترجمه المیزان، انتشارات دارالعلم،
قم. ■



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی